

آسیمیلاسیون پوشاکی

مهران بهاری

۲۰۰۸

<http://elxan.blogspot.com/>

۱- لباس سنتی و ملی زنان ترک بویژه زنان منسوب به عشایر و ایلات ترک از مولفه های اساسی هویتی این خلق است. این لباس سنتی و ملی در سده اخیر و در نتیجه دو مولفه طبیعی (مدرنیزاسیون) و مولفه غیرطبیعی (آسیمیلاسیون) دچار دگرگونی شده است. تقریباً تا یکی دو دهه پیش در بسیاری از شهرها و روستاهای آذربایجان و دیگر مناطق ترک نشین در ایران، لباسهایی غیر از لباسهای امروزی در بین خانمها رایج بود. با ازدیاد رفت و آمد بین شهر و روستا، گسترده شدن سیستم مدارس جدید، نهادینه شدن سیاستهای یکسان سازی و فارسسازی، اسکان ایلات و عشایر و تزییقات و فشارهای افزایشده و سیستماتیک جمهوری اسلامی بر زنان، این لباسها کم کم جایگاه خود را از دست دادند و اکنون تنها در بین بانوان سالخورده روستائی و ایلی ترک میتوان ردی از آن لباسها را پیدا کرد.

۲- ترکان مانند دیگر ملل ساکن در ایران از محدودیتهای گوناگون در استفاده از پوشاک سنتی و ملی ترکی خود (آذربایجانی، قشقائی،) رنج می برند. در جمهوری اسلامی ایران استفاده دانش آموزان و دانشجویان دختر و پسر ترک و ملل دیگر از لباسهای ملی ترکی (آذربایجانی، قشقائی،)، ترکمنی، لری، بلوچی، عربی و در مراکز آموزشی و مناسبتهای اجتماعی ممنوع است. جمهوری اسلامی ایران از نخستین روز استقرار خود، آزادی پوشاک زنان و دختران و دخترچگان ترک سراسر مناطق ایران را سلب کرده، و آنها را در مراکز دولتی، در کودکانها و در مدارس و موسسات آموزشی مجبور به استفاده از حجاب سیاه اسلامی-امامی و چادر زرتشتی-فارسی بیگانه با

هویت و سنن ملی ترکان نموده است. ممنوعیتهای پوشاکی فوق، محدود به دانشجویان و دانش آموزان و مراکز آموزشی نیست و مانند ممنوعیتهای زبانی، عرصه ها و مناسبتهای گوناگون و کوچه و خیابانها و همه گروههای اجتماعی بویژه هنرمندان و فعالان فرهنگی را نیز در بر می گیرد.

۳- تحمیل و اجبار حجاب-مانتوی اسلامی-امامی و چادر زرتشتی-فارسی بر زنان و دختران ترک (و دیگر ملل ساکن در ایران)، به عنوان جزئی از نظام آپارتاید جنسی حاکم بر ایران، نقض حقوق و تحدید آزادیهای فردی دختران و زنان در انتخاب پوشاک است. آپارتاید جنسی قرون وسطایی، شرایط فرو انسانی و زندگی خفت باری که از سوی جمهوری اسلامی بر زنان ایران تحمیل گردیده؛ به حاشیه رانده شدن از صحنه حیات اجتماعی، نیم انسان و مهجور شمرده شدن در عرصه های حقوق، جزاء، قانون، قضاء، اقتصاد، اجتماع؛ جداسازی زنان و دختران از پسران و مردان در مدارس و اجتماع، ممانعت از ورزش و حضور آزادانه و مختلط آنها در سالنها و میادین ورزشی، مجازاتهای وحشیانه و بدوی ای مانند سنگسار و قصاص و اعدام و قطع اعضای بدن و شلاق و ...؛ همه غیراخلاقی، مغایر با شان و کرامت انسانی، ضدبشری و اهانتی غیرقابل قبول و غیر قابل تحمل به زن ترک است.

۴- سیاست جایگزین کردن لباس سنتی زنان ترک با حجاب اسلامی-امامی و چادر فارسی-زرتشتی و اکنون "لباس ملی" تحت عناوینی چون "طرح عفاف"، "پوشش ملی زنان ایرانی"، "لباس ایرانی" و ... را - که جزئی از اجزای نظام آپارتاید جنسی حاکم بر این کشور است- می بایست در بستر سیاست کلان دولت ایران برای نابود کردن هویت ترکی، آسیمیلاسیون و فارسسازی خلق ترک نیز مطالعه نمود.

۵- ممنوعیت پوشاک ملی و سنتی ترکی، تحمیل حجاب اسلامی-امامی و چادر زرتشتی-فارسی و محدودیتهای اعمال شده توسط جمهوری اسلامی و بنیادگرایان امامی و قومیتگرایان فارس بر زنان ترک در عرصه پوشاک ملی و سنتی را می توان "آسیمیلاسیون پوشاکی" نامید. آسیمیلاسیون پوشاکی، مشابه "آسیمیلاسیون زبانی" است که در نتیجه آن دانش آموزان و دانشجویان ترک از کاربرد زبان ملی خود ترکی در مراکز آموزشی منع و محروم می گردند.

۶- سیاست آسیمیلاسیون پوشاکی و یا تحمیل حجاب اسلامی-امامی و چادر زرتشتی-فارسی تدبیری است به مقصد از بین بردن رنگارنگی و تشخص ملی ملل ساکن در ایران که هر کدام طبق سنن و فرهنگ و تاریخ خود سلیقه و سبک خاص و احیانا متفاوتی در انتخاب پوشاک داشته و دارای لباس ملی ویژه ای هستند. این سیاست که در ضدیت آشکار با فرهنگ و هویت ملی ترک و آذربایجانی است، مستقیما هویت ملی زنان ترک و بویژه زنان ایلی در سراسر ایران را نشانه گرفته است.

۷- تحمیل حجاب اسلامی-امامی و چادر زرتشتی-فارسی را می بایست در زمینه تبدیل مذهب ترکان از اسلام ترکی (جعفری، قزلباشی، سنی، ...) به شیعه امامی فارسی که خود وجه دیگری از فارسسازی ترکان ایران است نیز مطالعه نمود.

۸- بهانه هائی که معمولاً روحانیون و مقامات دولتی فارس در توجیه ممنوعیت لباسهای ملی و سنتی گروههای ترک و تحمیل و اجبار چادر زرتشتی-فارسی و حجاب-مانتوی اسلامی پیش می رانند -مانند غیراسلامی بودن آنها- از هر گونه پشتوانه منطقی و بنیان علمی محروم اند. پوشاک سنتی و ملی دختران و بانوان ترک که قرنهای رایج بوده‌اند متین و موقر اند، کوچکترین تعارضی با عرف و اخلاق و باورهای دینی ترکی و یا شعائر اسلامی ندارند و به لحاظ زیبایی شناسی و هنری نیز از کیفیت بسیار عالی و برتری برخوردارند.

۹- محدودیتهای پوشاکی در مورد دختران و زنان ترک با منسوبیت ایلی و همچنین ترکان ساکن در جنوب ایران- که بسیاری دارای تعلقات ایلی و عشایری اند- برجسته تر، شدیدتر و نهادینه تر است. حجاب-مانتوی اسلامی- امامی دولتی و چادر زرتشتی-فارسی تحمیلی از همه جهت در تضاد با فرهنگ پوشاک سنتی، سبک آزاده، فعالیت های اجتماعی، حیات پرتحرک و نیازهای زندگی ایلی زن ترک می باشد، نقش و کارکرد اجتماعی او در حیات ایلی و کوچرو را مختل می سازد و به لحاظ زیبایی شناسانه نیز از سطحی فوق العاده پست و نازل برخوردار است.

۱۰- ممنوعیت لباسهای سنتی و ملی ترکی و تحمیل حجاب اسلامی-امامی و چادر زرتشتی-فارسی، با مخالفت و مقاومت افزایش یافته زنان و دختران ترک بویژه در جنوب ایران مواجه شده است. چندی پیش خانم پروین بهمنی محقق و موسیقیدان ترک (از ایل قشقائی) در جشنواره‌ای که با حضور هنرمندان مناطق ملی سراسر کشور در شهر اردبیل آذربایجان برگزار شده بود در عملی اعتراضی از به روی سن رفتن خودداری کرده است، زیرا مسئولان خودباخته از وی خواسته‌اند که در پوشش ترکی خود تغییری ندهد. او با استناد به اینکه این لباس ایل قشقائی است و ما انگلیسیها را با همین لباس شکست دادیم و من مجاز به تغییر دادن آن نیستم از این مسئله استنکاف کرده است و مسئولان فارسزده نیز اجازه اجرای برنامه به وی را نداده‌اند.

۱۱- اکنون گرایش و حرکتی اصیل و خودجوش در میان زنان ترک بویژه در جنوب ایران دیده می شود که بر پوشیدن لباسهای سنتی، ملی و ایلی ترک در مناسبتهای گوناگون اصرار و تاکید می کند. روشنفکران و فرهنگیان ترکان جنوب ایران نیز در همسوئی با این حرکت، از دختران ترک خواسته اند که با پوشش ملی و سنتی خود در مناسبتهای گوناگون دیگر مانند آغاز سال تحصیلی، روز مادر، روز معلم و و حتی در طول سال در مدارس حاضر شوند. نیز از همه ملت ترک در سراسر ایران، از زن و مرد، دختر و پسر خواسته شده که در مناسبتهای ویژه و روزهای ملی مانند ارگنه‌قون بایرامی (نوروز)، ۲۱ آذر، روز بای‌بک، روز جهانی زبان مادری و در سطح شهرها و اماکن عمومی و دولتی به پوشیدن لباسهای سنتی و ملی ترکی (آذربایجانی، قشقائی، ...) اقدام نمایند. فراخوانهای مشابهی از سوی نخبگان ملت ترکمن در شمال شرق ایران صورت گرفته است.

۱۲- تحمیل حجاب اسلامی-امامی، چادر زرتشتی-فارسی و منع کاربرد لباسهای ملی و سنتی ترکی (آذربایجانی، قشقائی، ...) میباید از طرف تمام فعالان سیاسی و حقوق بشری آذربایجان به عنوان جزئی از اجزای نظام آپارتاید جنسی و نقض حقوق بشری زنان و همچنین سیاستی در راستای یکسان سازی و فارسسازی ترکان، همواره و پیگیرانه و با هر وسیله ممکن تعقیب، افشاء، نقد و محکوم شود.